

Critical Studies in Texts and Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 21, No. 12, Winter 2022, 167-189
Doi: 10.30465/CRTLS.2021.35502.2186

Writing About Historiography:

A Critical Review on the Book

Historiography and its Developments in Iran and the World

Nematollah Zakipour*

Abstract

By Adopting a critical approach to reading text, the present article examines and evaluates the book *Historiography and its Developments in Iran and the World*, a joint work of Hossein Mirjafari and Abbas Ashouri-Nejad. The book reviewed in this article, which is dedicated to Payame Noor University as a textbook on "*Historiography and its Developments in Iran and the World*" as a sourcebook at the undergraduate level in history, is no exception to this rule. Academic textbooks are expected to meet the required scientific standards. Despite the authors' efforts to compile a documentary on historiography, this book has some drawbacks including lack of a detailed table of contents, index, typographical errors, poor writing and grammar, the indentation of some sentences, poor citation and documentation, lack of separation of sources in the bibliography, etc. In terms of the content, formal considerations and lack of explanation of terms and concepts, improper use of first-hand sources, unbalanced volume of the sections, the existence of clichéd content, etc. are also observed. The author of the article tries to review and evaluate the book and explain its strengths and weakness, to present his suggestions to the authors and

* Assistant Professor of History, Faculty Member, Yasouj University, Yasouj, Iran,
n.zakipoor@yu.ac.ir

Date received: 21/09/2021, Date of acceptance: 23/01/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

۱۶۸ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۲۱، شماره ۱۲، اسفند ۱۴۰۰

the textbook publishing council in order to increase the scientific-educational aspect of this book and its structured quality.

Keywords: Historiography, Iran, Islam, Anal, Formal Criticism, Content Criticism.

نوشته‌ای در باب تاریخ‌نگاری:

خوانش انتقادی کتاب تاریخ‌نگاری و تحولات آن در ایران و جهان

نعمت‌الله زکی‌پور*

چکیده

نوشتار حاضر، با رویکردی انتقادی، کتاب تاریخ‌نگاری و تحولات آن در ایران و جهان اثر مشترک حسین میرجعفری و عباس عاشوری‌نژاد را بررسی و ارزیابی می‌کند. پژوهش‌های سه دهه اخیر راجع به تاریخ‌نگاری ایران، اسلام، و اروپا نکات قوت و ضعف شکلی و محتوایی داشته است. کتاب موردبررسی این نوشته، که به‌عنوان کتاب درسی درس «تاریخ‌نگاری و تحولات آن در ایران و جهان» در مقطع کارشناسی تاریخ دانشگاه پیام‌نور اختصاص یافته است، نیز از این قاعده مستثنا نیست. انتظار می‌رود کتاب‌های درسی دانشگاهی، از استانداردهای لازم علمی برخوردار باشند، اما این کتاب، با وجود تلاش نگارندگان برای تدوین اثری مستند در درس تاریخ‌نگاری، دارای اشکالات و کاستی‌های شکلی (فقدان فهرست تفصیلی مطالب متن کتاب، فقدان نمایه، اغلاط تایپی، ضعف نگارشی و دستوری، تورفتگی برخی جملات، ضعف ارجاع‌نویسی و مستندسازی، عدم تفکیک منابع در کتاب‌نامه، و...) و محتوایی (عدم تبیین اصطلاحات و مفاهیم، بهره‌گیری نامناسب از منابع دست‌اول، نامتوازن بودن حجم بخش‌ها، وجود مطالب کلیشه‌ای، و...) است که آسیب جدی به متن زده است. نگارنده مقاله تلاش می‌کند، ضمن بررسی و ارزیابی کتاب و تبیین قوت و کاستی‌های آن، پیش‌نهادهای خویش را به نویسندگان و شورای انتشار کتب درسی دانشگاه پیام‌نور ارائه دهد تا بر جنبه علمی - آموزشی این کتاب و کیفیت ساختارمند آن افزوده شود.

کلیدواژه‌ها: تاریخ‌نگاری، ایران، اسلام، آنال، نقد شکلی، نقد محتوایی.

* استادیار گروه تاریخ، عضو هیئت علمی دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران، n.zakipoor@yu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۳



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

تأسیس دانشگاه تهران، در سال ۱۳۱۳، تاحدودی به تخصصی‌شدن علوم مساعدت کرد. این اقدام نقش مهمی را در رشد کمی- کیفی رشته‌های دانشگاهی ایفا کرده است. یکی از این رشته‌ها تاریخ بود. محققان برای تبیین هویت ایرانی و معرفی فرهنگ و تمدن ایران به جامعه بومی و جهانی گام‌های سترگی برداشتند. در چند دهه اخیر، محققان علوم انسانی، به‌ویژه تاریخ، نوشته‌های ارزش‌مندی را عرضه کردند که با مطالعه آثارشان با ابعاد گوناگون جامعه ایرانی آشنا می‌شویم. باوجود تلاش‌های این نویسندگان و تحسین چنین زحماتی، لازمه غنای علمی نوشته‌های آنان نقد و ارزیابی بایسته این آثار است تا نقاط قوت و ضعف بیان شود؛ البته نقدی که با ژرف‌نگری بر منابع و شواهد تاریخی از هرگونه حب‌وبغض به‌دور باشد. این امری مسلم است که هیچ نوشته‌ای جامع و بدون کاستی نیست. با بیان و رفع کاستی‌ها، نوشته علمی‌تر و ساختارمندتر می‌شود. به‌نظر می‌رسد استادان و دانشگاهیان در دو دهه اخیر، نوشته‌های متعددی در علوم انسانی منتشر کرده‌اند که عوامل گوناگونی در آن دخیل بوده است. برای مثال، می‌توان به نگرش کمی به علوم اشاره کرد که یکی از مهم‌ترین شاخص ارزیابی دانشگاهیان و جامعه علمی است. این عامل، تحت‌تأثیر معیارهای جذب و استخدام و تبدیل وضعیت و ارتقای مراتب دانشگاهی، به‌جای این‌که به کیفیت مطلوب علم کمک کند، در این دو دهه بیش‌ترین آسیب را وارد کرده و بر توسعه کمی علوم، به‌ویژه علوم انسانی و تاریخ، اثرگذار بوده است. صیانت از علوم با رویکردهای علمی و نقد منصفانه، و ارائه پیش‌نهادهای راه‌کارهای مناسب از آسیب‌های جدی‌تر مانع می‌شود. با گسترش روحیه نقادی و نقدپذیری در جامعه، هم نقاد و هم نقدشونده به رشد و بالندگی علمی کشور یاری می‌رسانند.

نگارش و انتشار هر نوشته‌ای به‌تبع منافع شخصی، علوم انسانی، بالأخص علم تاریخ، را با بحران مواجه می‌کند. برخی از نویسندگان در حوزه تاریخ، در کم‌ترین زمان ممکن در این سال‌ها، کتب و مقالات متعددی را چاپ کرده‌اند. درمیان نوشته‌های پژوهش‌گران داخلی آثار سودمندی منتشر شده و در محافل علمی داخل و خارج از کشور محل مباحثه و ارجاع بوده و این گام‌ها ستودنی است. ازجمله می‌توان به اثری چون مقاومت شکننده (تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب) از جان فوران اشاره کرد که پس از دو دهه از ترجمه آن، هنوز کتاب درسی و مرجع برای دانشگاهیان در رشته‌های علوم انسانی است. بنابراین، تولید نوشته‌های علمی و مستند ضرورت دارد.

نوشته‌ای درباره تاریخ‌نگاری: ... (نعمت‌الله زکی‌پور) ۱۷۱

هدف از بررسی و ارزیابی کتاب *تاریخ‌نگاری و تحولات آن در ایران و جهان* در این مقاله اعتلای کیفی علم تاریخ‌نگاری و تلاش برای انتشار نوشته‌ای مطلوب‌تر در این زمینه با ارائه پیشنهادهایی به نویسندگان محترم است.

۲. درباره نویسندگان و کتاب

نویسندگان کتاب *تاریخ‌نگاری و تحولات آن در ایران و جهان*، حسین میرجعفری و عباس عاشوری‌نژاد، در زمینه تاریخ‌نگاری در تاریخ میانه ایران، به‌ویژه تیموریان و ترکمانان، کتب و مقالات متعددی را نگاشته‌اند. از آثار حسین میرجعفری، استاد بازنشسته گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، می‌توان به *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان* (۱۳۷۵) و *روش پژوهش در تاریخ* (۱۳۸۸) اشاره کرد. عباس عاشوری‌نژاد، عضو هیئت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، نیز کتب و مقالات مختلفی را در زمینه تاریخ و ادبیات منتشر کرده است.

کتاب *تاریخ‌نگاری و تحولات آن در ایران و جهان* را انتشارات دانشگاه پیام‌نور، در سال ۱۳۸۶، در ۱۷۵ صفحه با یک مقدمه و هفت بخش، چاپ کرده است. بخش‌های کتاب عبارت‌اند از:

بخش اول: معنا و مفهوم تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری؛

بخش دوم: تاریخ‌نگاری اولیه بشر؛

بخش سوم: تاریخ‌نگاری باستانی؛

بخش چهارم: تاریخ‌نگاری در ایران؛ دارای دو فصل: فصل اول «ایران قبل از اسلام» و

فصل دوم «ایران بعد از اسلام»؛

بخش پنجم: تاریخ‌نگاری اسلامی و مکاتب آن؛

بخش ششم: تاریخ‌نگاری اروپا؛

بخش هفتم: تاریخ‌نگاری عصر حاضر؛ آنال‌ها.

۳. ارزیابی شکلی اثر

لازم است در ارزیابی و نقد منصفانه کتاب نقاط قوت و ضعف تبیین شود. این کتاب امتیازها و کاستی‌هایی در شکل، چاپ، و نگارش دارد که این موارد ذکر خواهد شد. کتاب

مذکور تابع مقررات سازمان برنامه‌ریزی درسی وزارت آموزش عالی دانشگاه پیام‌نور برای درس «تاریخ‌نگاری و تحولات آن در ایران و جهان» در مقطع کارشناسی تدوین شده است. تاکنون کتابی در این درس که همه ادوار تاریخی را در بر گیرد منتشر نشده بود.

کتاب تاریخ‌نگاری دارای نقاط و مضامین سودمندی است که بخش‌بندی کتاب از لحاظ توالی و ترتیب زمانی دقیق (دوره‌بندی تاریخی) یکی از آنهاست. مورد سودمند دیگر کتاب مبحث ویژگی‌ها و عناصر مهم تاریخ‌نگاری دوره‌های تاریخی، به‌ویژه در بخش چهارم، است که به‌شکل موجز مؤلفه‌های تاریخ‌نگاری ایران بعد از اسلام را تبیین کرده است. دیگر مزایای این کتاب درسی محدوده زمانی طولی است که طبق سرفصل درسی ارائه کرده‌اند. از دیگر امتیازات کتاب تقویم سلسله‌های ایرانی است. در جدول‌های مختلفی نام سلسله‌ها و گاه‌شماری آن‌ها ذکر شده است. موجز و تلخیص‌گونه‌بودن کتاب از امتیازات شاخص آن برای تسهیل فهم مخاطبان به‌شمار می‌رود.

باوجود نقاط قوت و امتیازات، کتاب مذکور کاستی‌هایی دارد که برخی از موارد برای رفع و بهبود آن بیان می‌شود:

۱. تصویر روی جلد کتاب مربوط به ایران باستان و قبل از اسلام است. تصویر گویای عنوان جامع کتاب نیست، چراکه کتاب با عنوان تاریخ‌نگاری و تحولات آن در ایران و جهان تدوین یافته و مناسب‌تر است که تصویری ترکیبی و فراگیر از نمادهای دوره‌های مختلف ایران و جهان بر جلد کتاب چاپ شود.

۲. هدف نگارش کتاب، با توجه به مقدمه کتاب، مفهوم تاریخ، سیر تاریخ‌نگاری، و تحولات در ایران و جهان بوده است. نویسندگان متواضعانه پذیرفته‌اند: «در کتاب حاضر تلاش شده تا در حد فهم دانشجویان عزیز، با نگاهی حتی‌المقدور نو و درعین حال کاملاً مختصر، سیر تاریخ‌نگاری و تحولات آن در ایران و جهان معرفی شود» (میرجعفری و عاشوری‌نژاد ۱۳۸۶: ۷). به‌زعم نویسندگان، نبود نوشته‌ای جامع در باب تاریخ‌نگاری و تحولات آن سبب نگارش چنین کتابی برای انتشارات دانشگاه پیام‌نور شده است (همان: ۸)، باین‌حال، در مقدمه کتاب پرسش‌ها و فرضیه‌های نوشته تبیین نشده است.

۳. کتاب نقشه و تصاویر ندارد. حضور نقشه مکانی و موقعیت سلسله‌های ایرانی و اسلامی در کتاب بر فهم شایسته‌تر و آشنایی خواننده‌ها با فضای فرهنگی و تاریخ‌نگاری یاری می‌رساند.

نوشته‌ای در باب تاریخ‌نگاری: ... (نعمت‌الله زکی پور) ۱۷۳

۴. فهرست تفصیلی مطالب متن کتاب و برخی از عناوین ذکرشده در بخش‌ها و فصل‌ها در فهرست مطالب نیامده است. ضروری است که فهرست مطالب با عناوین متن یکسان شود.

۵. فهرست اعلام یا نمایه برای کتاب نیاز است که در این کتاب نیامده است. این فهرست به خوانندگان کمک می‌کند تا به‌آسانی و در کم‌ترین زمان اسامی خاص، اصطلاحات مهم، و نکات برجسته کتاب را در متن بیابند.

۶. کتاب اغلاط تایپی فراوان دارد. ضرورت دارد که آن‌ها اصلاح شوند. برخی از این اغلاط تایپی در سه جدول زیر آورده شده است:

جدول ۱. نمونه‌هایی از غلط‌های نگارشی در متن کتاب و نگارش درست واژه‌ها

صفحه	سطر	نگارش نادرست	نگارش درست
مقدمه، هشت	۲	مکان	امکان
۵	۱۹ و ۲۱	کافیچی	کافیچی
۹	۲۵	بر رغم	به رغم
۱۸	۱۹	نچیکنا	نچیکنا
۱۹	۱۵	توسیدید	توسیدید
۲۱	۱۴	ایزاکه	ایزاک
۲۲	۶	دیودور سیسلی	دیودور سیسلی
۲۳	۳	تخوتموس سوم	تخوتمس سوم
۲۸	۲۳	رد استخر فارس	در استخر فارس
۲۹	۳	پیر آمیه	پیر آمیه
۲۹	۱۳	آسره‌دون	آسرحدون
۳۳	۵	دیودور سیسلی	دیودور سیسلی
۳۳	۹	ویسیرد	ویسپرد
۳۳ پاورقی	۳	سارماران	ساماران
۳۳ پاورقی	۱۳	مشکور	مشکور
۳۵	۲	گودرز اسعد بهتباری	گودرز اسعد بختباری
۳۷ پاورقی	۱	یویل، جی.آ	بویل، جی.آ
۳۸	۵	یوسنی نوس	یوستینیوس
۴۰ پاورقی	۱	لوکونین	لوکونین
۴۰ پاورقی	۱	تمدن ایران سامانی	تمدن ایران ساسانی
۴۱	۲۴	سلوکیداها	سلوکیه‌ها
۴۲ پاورقی	۱	یان ریکا	یان ریکا
۴۴ پاورقی	۶	کریستیان پارتلمه	کریستیان بارتولومه

ادامه جدول ۱. نمونه‌هایی از غلط‌های نگارشی در متن کتاب و نگارش درست واژه‌ها

نگارش درست	نگارش نادرست	سطر	صفحه
تئوفیلاکت سیموکاتا	فئوفیلاکت سیموکات	۱۴	۴۵
گریگوریوس بار هبرائوس	گریگورورس بارهبراوس	۳	۴۷
یولیانوس	پولنیوس	۱۶	۴۸
ویلهلم کیگر	ویلهلم جیگر	۱۴	۴۸
ثعالبی	تعالبی	۹	۴۸
آمیتسن مارسلن	امتیس مارسان	۱۶	۴۸
کولسنیکف	لولسنیکف	۳	۴۸ پاورقی
جهان اسلام	چهان اسلام	۲	۶۲
الأنساب	الانساب	۱۰	۶۶
تحفة الألباب و نخبة الإعجاب	تحفه الالباب و نخبه الاعجاب	۱۱	۶۶
فتنه خراسان	قتنه خراسان	۱۹	۷۱
یان ریپکا	یان ریبکا	۲	۷۶
ادامه دادند	ادامه دارند	۱۹	۷۶
ویلیام روبروک	ویلیام دوبروک	۱۳	۷۹
قراقروم	قراقورم	۱۶	۷۹
مارکوپولو	ماکوپولو	۲۴	۷۹
تفضیلاتی	تفضیلاتی	۱۶	۸۵
تفصیل	تفضیل	۲۰	۸۶
تایلور	تایور	۱۱ و ۱۳	۹۰
اویغوری	اوبغوری	۱۳	۹۲
مطامع	مطالع	۱۰	۹۵
در واقع	در واقع	۱۶	۱۰۰
بازرگانی	بارزگانی	۱۷	۱۰۶
کروسینسکی	کروسینکی	۹	۱۰۷

ادامه جدول ۱. نمونه‌هایی از غلط‌های نگارشی در متن کتاب و نگارش درست واژه‌ها

صفحه	سطر	نگارش نادرست	نگارش درست
۱۱۱	۶	بیلگریگی	بیگریگی
۱۱۲	۲۰	ادارات ورزی	ارادت ورزی
۱۱۵	۴	سرپرستی سایکس	سرپرسی سایکس
۱۱۷	۴	مرومی نامه	مروی نامه
۱۲۳	۷	عبدالرزاق بیک ونبلی	عبدالرزاق بیک دُنبلی
۱۲۳	۱۳	حسین ملکی	حسین مکی
۱۲۷	۱۴	متنقذ	متنفذ
۱۲۹	۹	تفضیل	تفصیل
۱۳۵	۳	چیری	چیزی
۱۳۷	۶	پورپیرا	پورپیرار
۱۳۷	۱۲	منیع	منیع
۱۴۰	۲	خلاقییت بنی امیه	خلافت بنی امیه
۱۴۳	۶	پورپیدار	پورپیرار
۱۴۶	۱۸	ایجاد سد	ایجاد شد
۱۵۲	۲۱	اسناد دهد	اسناد دهد
۱۵۴	۱	در قایع	در وقایع
۱۵۴	۱	رویت	روایت
۱۵۴	۳	موقیعت	موقعیت
۱۵۵	۴	بنیانگزاران	بنیان‌گذاران
۱۶۲	۳	لئوپولدوفون رانکه	لئوپولد فون رانکه
۱۶۳	۱۲	خارج	خارج
۱۷۴	کتاب‌نامه-کتاب ۵	احیایی فرهنگی در عهد آل بویه	احیای فرهنگی در عهد آل بویه

۷. ضعف نگارشی و دستوری در جمله‌ها و بندها در کتاب دیده می‌شود؛ ص ۵۷ از سطر ۱۵ تا ۱۶: «هدف عمده طبری، گردآوری مایه‌های تاریخ و ارائه همگی آن‌ها بر خواستارن تاریخ است. تاریخ طبری سرچشمه‌ای است جوشان»؛ ص ۷۵ از سطر ۹ تا ۱۱؛ ص ۸۱ از سطر ۳ تا ۴: «عظاملک جوینی از خاندان‌های معروف صاحب دیوان و از قدیمی‌ترین و مشهورترین خاندان‌های ایرانی بوده». در این جمله نویسندگان عظاملک را خاندان نام برده‌اند، درحالی‌که عظاملک یکی از افراد خاندان دیوان‌سالار جوینی به‌شمار می‌رود و به‌جای عظاملک جوینی بایستی خاندان جوینی نام برده می‌شد؛ ص ۸۴ سطر اول

و ص ۹۰ سطر ۱۸ تا ۲۰ را با لحن عامیانه نوشته‌اند (برای نمونه‌های دیگر، بنگرید به میرجعفری و عاشوری‌نژاد ۱۳۸۶: ۱۰۵ سطر ۱ تا ۳؛ ۱۱۷ سطر ۱۰ تا ۱۱ و ۱۴ تا ۱۵؛ ۱۱۸ سطر ۵ تا ۶، ۱۰ تا ۱۱، و ۱۶ تا ۱۸؛ ۱۲۴ سطر ۱۱ تا ۱۲؛ ۱۲۵ سطر ۵ تا ۶؛ ۱۳۹ سطر ۱۴ تا ۱۷ و ۲۵ تا ۲۶).

۸. تورفتگی برخی جمله‌ها سبب نقصان در محتوا و قابل فهم نبودن مرزبندها در برخی مطالب متن شده است. نویسندگان در این جمله‌ها نتوانسته‌اند مفهوم دقیق را به مخاطب انتقال دهند (برای نمونه، همان: ۵۷ از سطر ۲۴ تا ۲۷؛ ۸۶ از سطر ۹ تا ۱۱؛ ۱۳۶ از سطر ۵ تا ۷، ۱۴ تا ۱۷، و ۱۹ تا ۲۱).

۹. در کتاب جملات انشایی و شعارگونه نیز آمده است (همان: ۸۴ مبحث معرفی اجمالی جامع‌التواریخ، سطر ۹ تا ۱۴؛ ۱۳۱ سطر ۱ تا ۲).

۱۰. طرح اصطلاحات مبهم و خاص مانند: «آفرینش‌های فیدياس» در ص ۱۹ سطر ۳؛ «کاتی لینا» در ص ۲۱ سطر ۳؛ «هرم سقاره» در ص ۲۴ سطر ۵، ص ۴۳ سطر ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، و ۲۴؛ «فرقه ژانسنیست» ص ۱۶۷ سطر ۱۳.

۱۱. اعراب‌گذاری اسامی خاص، مکان‌ها، و کتاب‌ها انجام نگرفته است. برای نمونه، در ص ۵ سطر ۱۸ «مقریزی»؛ ص ۱۷ سطر ۴، ۵، ۶، و ۹ «ودا، ریگ ودا، ساماودا، یاجورودا، آثارودا، و اوپانیشاد»؛ ص ۲۷ سطر ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، و ۱۲ «سیلک، تپه حصار، تپه گیان، هرسین، تپه بد هورا، تل باکوم، تورنگ تپه، و کله دشت»؛ ص ۲۹ سطر ۹، ۱۱، و ۱۳ «تیگلات پیلسر، سالمونسار سارگون، سناخریب، و آسره‌دون»؛ ص ۳۰ سطر ۶، ۷، ۸، و ۱۱ «هیوشیع، شومرون، حلیح، و ناحوم نبی»؛ ص ۳۳ سطر ۹، ۱۲، و ۱۳، ص ۳۷ سطر ۱، ۹، و ۱۱، ص ۳۸ سطر ۲۲، ص ۴۳ سطر ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، و ۲۵، و ص ۴۸ سطر ۷ تا ۱۰ «عیون الاخبار ابن قتیبه، اخبار الطوال دینوری، مروج الذهب، تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیاء، البدء التاریخ مقدسی، غرر اخبار الملوک ثعالبی، و ...»؛ ص ۸۵ سطر ۱۰ «آلتان دپتر».

۱۲. معادل لاتین برخی اسامی خاص در پانویس صفحه‌ها آورده نشده است. برای نمونه، ص ۶ سطر ۱۱، ۱۵، ۱۸، و ۲۴ «سنت اگوستین»، «جامبا تیس‌تا ویکو»، «اگوست کنت»، و «مونتسکیو»؛ ص ۷ سطر ۳، ۷، ۱۲، ۲۰، و ۲۶ «ولتر»، «تامس کارلایل»، «کندورسه»، «ژان ژاک روسو»، و «یوهان گوتفرید هردر»؛ ص ۸ سطر ۳، ۱۳، و ۲۱ «کانت»، «هگل»، و «کارل مارکس»؛ ص ۹ سطر ۱ و ۹ «اوسوالد اشپنگلر» و «آرنولد توین بی»؛

نوشته‌ای در باب تاریخ‌نگاری: ... (نعمت‌الله زکی پور) ۱۷۷

ص ۱۹ سطر ۳، ۴، ۸، ۱۶، و ۲۰ «فیدایس، سوفوکلس، مدیک، هالیکارنوسی، پلوپونز، و نیسیاس»؛ ص ۲۰ سطر ۸، ۱۲، و ۲۶ «پلوتارک، آتنایوس، هوراس، و یولیوس»؛ ص ۲۱ سطر ۲، ۳، ۴، ۱۶، و ۱۷، ص ۲۲ سطر ۵ و ۶، ص ۲۳ سطر ۳، ۷، ۱۴، و ۱۶، ص ۲۴ سطر ۲، ۵، ۹، و ۱۰، ص ۳۲ سطر ۱ و ۲، ص ۳۳ سطر ۱، ۴، ۵، و ۶، و ص ۴۳ سطر ۳ «وست، کایگر، و رییکا»؛ ص ۴۵ سطر ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۶، و ۱۷، ص ۱۵۸ سطر ۱۱، ص ۱۶۰ سطر ۲، ص ۱۶۱ سطر ۱۹ و ۲۴، ص ۱۶۲ سطر ۳، و ص ۱۶۶ سطر ۱، ۳، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۲۰، ۲۱، و ۲۲.

۱۳. برخی فواصل نگارشی و نیم‌فاصله رعایت نشده است. مانند «طی می‌کنند» که صورت درست آن «طی می‌کنند» است در ص ۹ و ۵؛ یا اسم «محمد بن حمید رازی» که صورت درست آن «محمد بن حمید رازی» است در ص ۵۴ و ۱۸؛ «بوده است» صورت صحیح آن «بوده است» است در ص ۵۵ سطر ۲؛ یا از این نمونه‌ها در ص ۵۵ سطر ۵، ص ۵۵ سطر ۲۵، ص ۵۸ سطر ۱۱ و ۱۶، ص ۵۹ سطر ۷، و ص ۱۱۷ سطر ۱۳.

۱۴. مشخصات کتاب‌شناختی برخی از استنادهای درون‌متنی در کتاب‌نامه نیامده است. برای نمونه، در صفحات ۲۷-۴۹ به صورت متناوب از کتاب *کتاب‌شناسی تاریخ ایران در دوران باستان* (میراحمدی ۱۳۶۹) مطلب اخذ کرده‌اند، اما در کتاب‌نامه نامی از این کتاب نیست. هم‌چنین، در صفحات ۲۹-۵۸ به صورت متناوب با برداشت از کتاب *شناخت و نقد منابع تاریخ ایران باستان* (موسوی ۱۳۸۰)، با ۴۴ ارجاع در متن، در کتاب‌نامه ذکر نشده است.

۱۵. نقل قول‌های مستقیم در متن بایستی داخل گیومه قرار گیرند. برای مثال ص ۹ سطر ۸ تا ۸ سطر ۹ تا ۱۶، و سطر ۲۶ تا ۲۹ با این جمله شروع می‌شود:

انسانیت هرچه پیش‌تر می‌رود، سرعت سیرش هم فزونی می‌یابد و افق اگر تاریک است این تاریکی صبح کاذب است نه تیرگی غروب ابدی، راه تکامل راه سرنوشت است، همین راه است که انسانیت و تمام کاینات را به سوی کمال می‌برد- به سوی نامحدود (میرجعفری و عاشوری‌نژاد ۱۳۸۶: ۱۰).

این جمله مستقیم از کتاب *تاریخ در ترازو* (زرین کوب ۱۳۶۲: ۲۳۱) برداشت شده است که بایستی داخل گیومه قرار گیرد. ص ۲۲ سطر ۷ تا ۱۸ ارجاع اول؛ ص ۱۵۲ سطر ۱ تا ۹ ارجاع اول؛ ص ۱۵۸ سطر ۱۶ تا ۲۰ ارجاع سوم؛ ص ۱۵۹ سطر ۱۵ تا ۲۰ ارجاع سوم؛ ص ۱۶۰ سطر ۱ تا ۱۰ ارجاع اول؛ و صفحات ۱۶۲، ۱۶۳، و ۱۶۴ تمامی نقل مستقیم است و بایستی هر سه صفحه داخل گیومه قرار گیرند.

۱۶. امروزه در متن ارجاعات و کتاب‌نامه کتاب، ذکر کلمه دکتر، سید، مرحوم، انتشارات و نشر را ضروری نمی‌دانند. برای نمونه، پانویس صفحه ۲۹، پانویس صفحه ۳۱، پانویس صفحه ۳۳، پانویس صفحه ۳۴، پانویس صفحه ۳۷ و ۳۹ سطر ۴، پانویس صفحه ۴۰، پانویس صفحه ۴۲، پانویس صفحه ۴۴، پانویس صفحه ۴۸ و ۴۹ سطر اول، پانویس صفحه ۶۶ سطر اول، و صفحه ۱۴۲ سطر ۲۰.

۱۷. ارجاعات کتاب، که درون‌متنی است، باید یک‌دست شود. موارد متعددی از ناهم‌گونی ارجاعات در متن مشاهده می‌شود که بایستی اصلاح شود. در ارجاع به نام نویسنده، شماره صفحه، سال انتشار، و شماره مجلد منابع گاه دقت نکرده‌اند و نادرست ذکر شده است: ص ۵۴ ارجاع اول، ص ۵۸ ارجاع اول، ص ۶۳ ارجاع اول، ص ۷۸ ارجاع اول و دوم، ص ۸۰ ارجاع اول، ص ۸۴ ارجاع اول، ص ۸۸ ارجاع اول، ص ۹۰ ارجاع چهارم، ص ۹۲ ارجاع اول، ص ۹۴ ارجاع اول، ص ۹۹ ارجاع اول، ص ۱۰۳ ارجاع اول، ص ۱۰۵ ارجاع اول، ص ۱۰۶ ارجاع اول و دوم، ص ۱۱۰ ارجاع اول، ص ۱۱۱ ارجاع اول، ص ۱۱۴ ارجاع دوم و سوم، ص ۱۱۷ ارجاع اول، ص ۱۲۸ ارجاع اول، ص ۱۲۹ ارجاع اول و دوم، ص ۱۳۷ ارجاع اول، ص ۱۳۹ ارجاع چهارم، ص ۱۴۳ ارجاع اول، ص ۱۴۵ ارجاع دوم، ص ۱۴۶ ارجاع سوم، ص ۱۵۱ ارجاع اول، و ص ۱۶۵ ارجاع اول.

۱۸. برخی از مواقع نقطه (.) بایستی پس از ارجاعات؛ یعنی بعد از پرانتز قرار گیرد، اما قبل از پرانتز آمده است: ص ۱۵ ارجاع اول و دوم، ص ۱۶ ارجاع دوم، ص ۱۷ ارجاع دوم و سوم، ص ۳۸ ارجاع اول، ص ۱۰۳ ارجاع اول، ص ۱۱۵ ارجاع سوم، ص ۱۳۴ ارجاع دوم، ص ۱۳۶ ارجاع اول، ص ۱۴۳ ارجاع اول، ص ۱۴۵ ارجاع اول، ص ۱۵۷ ارجاع دوم، و ص ۱۶۰ ارجاع دوم.

۱۹. گاه در کتاب مطالبی بدون ذکر منبع آمده است. برای نمونه، ص ۱۱ سطر ۱ تا ۶ و ص ۹۹ سطر ۶ تا ۹ عبارت «شاه اسماعیل در علت شکست خوردن خود فرمودند که چون امروز حضرات ائمه معصومین به کمک ما نیامده‌اند ما دیگر کاری نمی‌توانیم ساختن» و یا این عبارت مندرج در *عالم آرای عباسی* که «بدون شک خداوند اعلم مقدر فرموده بود که شاه اسماعیل در جنگ چالدران شکست بخورد، و ...» را که از کتاب *عالم آرای عباسی*، از اسکندربیک ترکمان، برداشته مشخصات کتاب‌شناسی ذکر نشده است. هم‌چنین، ص ۱۵۶ سطر ۲ تا ۸ و صفحات ۶۲-۵۸ از کتاب *تاریخ‌نگاری در اسلام* اثر صادق سجادی و هادی عالم‌زاده برداشت شده است که ارجاع درست آن چنین است: «(سجادی و عالم‌زاده ۱۳۸۶: ۵۸-۶۲)» است.

نوشته‌ای درباره تاریخ‌نگاری: ... (نعمت‌الله زکی‌پور) ۱۷۹

۲۰. منابع و مآخذ ذکر شده در کتاب‌نامه، براساس منابع دست‌اول، مطالعات، تحقیقات، و مقالات دسته‌بندی و از هم تفکیک نشده است.

۲۱. صفحه‌ عنوان انگلیسی در انتهای کتاب وجود ندارد.

۴. ارزیابی محتوایی کتاب

کتاب حاضر، از لحاظ محتوایی دارای امتیازها و نقاط قوت است. نثر کتاب روان و ساده است و در یک ساختار مشخص و طبق سرفصل مصوب وزارت علوم برای درس «تاریخ‌نگاری و تحولات آن در ایران و جهان» تدوین شده است. این کتاب به‌عنوان منبع درسی در مقطع کارشناسی تاریخ با نظم و انسجام درونی از اول تا پایان تنظیم شده است. چهارچوب آن براساس دوره‌بندی تاریخی و تحولات تاریخ‌نگاری در سه مکان (ایران، جهان اسلام، و اروپا) است. اصل رعایت بی‌طرفی در متن و محتوای کتاب رعایت شده است. اطلاعات و دانستنی‌های سودمندی درباره شیوه‌های تاریخ‌نویسی در ایران، جهان اسلام، و اروپا در آن آمده که به‌ویژه در مورد تاریخ‌نگاری ایران و تقسیم‌بندی آن بسیار مهم و حائز اهمیت است. موجز بودن مباحث کتاب از دیگر نقاط قوت آن به‌شمار می‌رود و مطالعه اثر خسته‌کننده نیست. ترسیم نمودار و عنوان‌گون ارائه‌شدن برخی مباحث کتاب از امتیاز این نوشته تاریخی است. توان‌مندی نویسندگان در بُعد شرح ویژگی‌ها و عوامل مؤثر در تاریخ‌نگاری دوره‌های مختلف تاریخی برجسته است. باوجود این نقاط قوت، کتاب درسی تاریخ‌نگاری و تحولات آن در ایران و جهان کاستی‌های محتوایی هم دارد که به آن پرداخته می‌شود تا در صورت بازنگری موردتوجه قرار گیرد:

۱. در مقدمه لازم است مباحث مربوط به اثر تبیین شود: شیوه پژوهش، ضرورت و اهمیت پژوهش، پیشینه پژوهش، طرح پرسش و فرضیه‌های پژوهش، معرفی آثار مشابه، و ذکر ویژگی‌های این اثر در قیاس با دیگر نوشته‌ها.

۲. عناوین فرعی بخش‌های کتاب در فهرست مطالب نیامده است که می‌توان عناوین فرعی بخش‌های کتاب را با فهرست مطالب تطبیق داد. برای نمونه، عناوین فرعی بخش چهارم (بنگرید به میرجعفری و عاشوری‌نژاد ۱۳۸۶: ۲۷-۱۲۹) یا بخش ششم، «تاریخ‌نگاری اروپا»، عناوین فرعی نظیر قرن هفدهم، قرن هجدهم، و قرن نوزدهم در فهرست مطالب نیست (همان: ۱۵۹-۱۶۴).

۳. برخی اصطلاحات و مفاهیمی چون «تاریخ، فواید تاریخ، تاریخ‌نگاری، و تاریخ‌نگری» به‌وضوح تبیین نشده است که ضرورت دارد این اصطلاحات و مفاهیم به‌طور مبسوط به‌بحث گذاشته شود.

۴. هرچند عنوان کتاب *تاریخ‌نگاری و تحولات آن در ایران و جهان* است، نویسندگان به ویژگی‌های تاریخ‌نگاری دوره‌های تاریخی به‌طور جزئی پرداخته‌اند، درحالی‌که بهتر بود این قسمت به‌طور مفصل بیان می‌شد. در بخش چهارم فصل دوم، «ایران بعد از اسلام»، مباحثی تحت عناوین ویژگی‌ها و عناصر مهم منابع طرح و تبیین شده و لازم است این مباحث در دیگر بخش‌های کتاب آورده شوند.

۵. بهره‌گیری نامناسب از منابع به‌ویژه مطالعات و تحقیقات:

۱.۵ از منابع دست‌اول و معتبر بهره‌اندکی برده‌اند. در این کتاب، به‌تنهایی از سیزده منبع دست‌اول استفاده شده، درحالی‌که به ۸۲ کتاب تحقیقاتی و مطالعاتی ارجاع داده‌اند. در تحقیقات علمی، مستندبودن یک اثر، مربوط به تعدد منابع دست‌اول و معتبر است که در این کتاب از آن‌ها استفاده‌اندکی شده است.

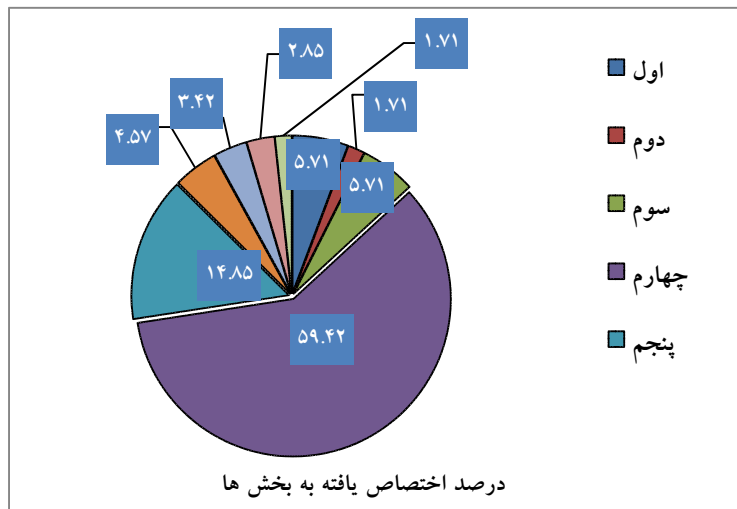
۲.۵ نویسندگان در صفحات متعدد کتاب به یک نویسنده ارجاع داده‌اند. این‌گونه ارجاع‌دهی به متن صدمه می‌زند و محتوای متن را سست و کم‌مایه می‌کند. تنوع در ارجاعات، تحلیل، و استخراج داده‌های مختلف می‌تواند به بهبود و تقویت محتوا کمک کند.

۶. در تبیین تاریخ‌نگاری سلسله‌ها و دوره‌های تاریخی ایران و اسلام ضرورت دارد قبل از ورود به مبحث اصلی سلسله‌ها معرفی شوند تا خواننده با آن‌ها آگاهی و آشنایی مقدماتی بیابد. در تبیین تاریخ‌نگاری سلسله‌ها، فضای سیاسی حاکم، فضای فرهنگی جامعه‌ی زمان خود را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و بر رونق یا کندی تاریخ‌نویسی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های فرهنگی جامعه اثرگذار است.

۷. نویسندگان کتاب به پیشینه پژوهش در رابطه با جریان تاریخ‌نگاری و تحولات آن و تألیفات نویسندگان ایرانی و خارجی بی‌توجهی نکرده‌اند که نیاز است با معرفی این کتاب‌ها، وجه تمایزات و تشابهات کتاب حاضر با آن‌ها بیان شود.

۸. حجم بخش‌های کتاب نامتوازن است. کتاب در ۱۷۵ صفحه تنظیم شده است. صفحه‌های اختصاص یافته در نمودار زیر با توجه به میزان حجم بخش‌ها و درصد آن مشخص شده است: کم‌ترین میزان حجم به بخش دوم (سه صفحه، ۱.۷۱) و بیش‌ترین میزان حجم کتاب به بخش چهارم (۱۰۴ صفحه، ۵۹.۴۲) اختصاص یافته است. بقیه

بخش‌ها به ترتیب بخش اول (ده صفحه، ۵.۷۱)، بخش دوم (سه صفحه، ۱.۷۱)، بخش سوم (ده صفحه، ۵.۷۱)، بخش چهارم (۱۰۴ صفحه، ۵۹.۴۲)، بخش پنجم (۲۶ صفحه، ۱۴.۸۵)، بخش ششم (هشت صفحه، ۴.۵۷)، بخش هفتم (شش صفحه، ۳.۴۲)، کتاب‌نامه (پنج صفحه، ۲.۸۵) و صفحه سفید (سه صفحه، ۱.۷۱) تدوین یافته است.



نمودار ۱. درصد میزان حجم اختصاص یافته به بخش‌های کتاب

۱۸ بخش اول کتاب؛ در ده صفحه به «معنا و مفهوم تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری» اختصاص یافته است، عناوین فرعی آن عبارت است از: معنا و فایده تاریخ، اهمیت و مفهوم تاریخ‌نگاری، و بررسی اجمالی مفهوم و مصادیق تاریخ‌نگاری. در این بخش از برخی مطالب ضروری غفلت شده است. نویسندگان می‌توانستند با افزودن مباحثی چون «معنا و مفهوم تاریخ‌نگاری، نگرش به تاریخ، تاریخ روایی و غیرروایی، مدارک و شواهد تاریخی، و روی داد در تاریخ» بر غنای کتاب بیفزایند (برای آگاهی بیشتر، بنگرید به استفورد ۱۳۸۶). محتوای این بخش استحکام کافی ندارد و دیدگاه‌ها درباره مفاهیم و اصطلاحات بسیار محدود و کم‌مایه بیان شده است. نکته حائز اهمیت در باب درس «تاریخ‌نگاری و تحولات آن در ایران و جهان» این است که درس مذکور از دروس «پایه» محسوب می‌شود و لازم است بخش اول را به‌عنوان مبانی نظری درمورد «مفهوم و اصطلاح تاریخ» و «تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری» اختصاص می‌دادند و به‌طور ویژه و مبسوط به آن‌ها می‌پرداختند (برای آگاهی بیشتر، بنگرید به میرجعفری و عاشوری‌نژاد ۱۳۸۶: ۱-۱۰).

۲۸ بخش دوم «تاریخ‌نگاری اولیه بشر» را به‌طور خلاصه در سه صفحه توضیح داده است. تمام مطالب این بخش از کتاب *تاریخ در ترازو* (زرین کوب ۱۳۸۳) اخذ شده است. از کاستی‌های محتوایی بخش، کلی‌گویی مطالب، بی‌توجهی به منابع اصلی، و استفاده‌نکردن از آثار صاحب‌نظران حوزه اساطیر و حماسه در ایران و خارج است. در این زمینه مباحث اسطوره‌شناسی و حماسه‌های ایرانی پژوهش‌گرانی چون احمد تفضلی در *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام* (۱۳۷۶)، ژاله آموزگار در *تاریخ اساطیری ایران* (۱۳۷۴)، و آثار اسطوره‌شناس خارجی هم‌چون جان راسل هینلز در کتاب *شناخت اساطیر ایران* (هینلز ۱۳۶۸) می‌توانست بر بهبود این بخش بیفزاید.

۳۸ بخش سوم، «تاریخ‌نگاری باستانی» را در سیزده صفحه بررسی کرده است. در این بخش تاریخ‌نگاری باستانی کشورهای چین، هند، یونان، رم، و مصر تبیین شده است. مباحث این بخش، به‌علت اسامی خاص و اصطلاحات مبهم، فهم را برای یادگیری مطالب پیچیده کرده است. این بخش جمله‌ها و پاراگراف‌های طولانی دارد که درک و دریافت مطالب را برای خواننده مشکل می‌کند؛ برای نمونه صفحه هجده، پاراگراف اول از هجده سطر تشکیل شده است (میرجعفری و عاشوری‌نژاد ۱۳۸۶: ۱۸). ذکر مباحثی چون تأثیر تاریخ‌نگاری باستانی در تاریخ‌نگاری ایرانی-اسلامی در این بخش، که خلاً آن به چشم می‌خورد، به غنای اثر می‌افزاید.

۴۸ بخش چهارم در دو فصل با عناوین «ایران قبل از اسلام» و «ایران بعد از اسلام» تنظیم شده است: در فصل اول به مباحثی چون منابع تاریخی ادوار پیش از تاریخ، منابع دوره ماد و هخامنشی، سلوکیان، اشکانیان، و ساسانیان پرداخته‌اند. در مبحث ساسانیان بیش‌تر اتکای نویسندگان به منابع مکتوب بوده است. این فصل بیش‌تر به معرفی توصیفی منابع پرداخته و روش تاریخ‌نگاری در این دوره تاریخی تبیین نشده است. مباحث این فصل برگرفته از کتاب *شناخت و نقد منابع تاریخ ایران باستان* (موسوی ۱۳۸۰) و *کتاب‌شناسی تاریخ ایران در دوران باستان* (میراحمدی ۱۳۶۹) است. خلاً برخی مباحث چون «کتیبه‌های هخامنشی، آثار معماری و حجاری دوره هخامنشی، کتیبه‌های اشکانی، سکه‌های هخامنشی و اشکانی، آثار معماری و حجاری دوره ساسانی، کتاب‌های اخلاقی و اندرزی عصر ساسانی، کتب تاریخی و جغرافیایی و روایات حماسی پهلوی ساسانی، متون فقهی و حقوقی عصر ساسانی، و متون مانوی» (برای آگاهی بیش‌تر، بنگرید به وثوقی ۱۳۸۳) به چشم می‌خورد. پراکندگی مطالب و عدم انسجام در تیتراژ عناوین

سبب سردرگمی خواننده می‌شود. چیش نامناسب مباحث و کلی‌گویی به محتوای کتاب آسیب وارد کرده است و نویسندگان از ذکر بسیاری از مطالب گذشته‌اند (بنگرید به میرجعفری و عاشوری‌نژاد ۱۳۸۶: ۳۲، ۳۳). در صفحه ۳۵، اطلاعاتی درباره منابع تاریخی سلوکیان ارائه نشده است و تنها بی‌مقدمه به معرفی منابع دوره اشکانی در سه صفحه پرداخته‌اند (همان: ۳۶-۳۹). این فصل با وجود آن‌که می‌توانست قوت و بنای مستحکمی داشته باشد، سطحی و کم‌مایه تنظیم شده است.

فصل دوم از بخش چهارم تحت عنوان «ایران بعد از اسلام» تنظیم شده و به هفت دوره تاریخی «قرون اولیه اسلامی (از ورود اسلام به ایران تا پایان آل‌بویه)، سلسله‌های ترک‌نژاد (غزنویان تا مغول)، دوره مغول و فترت، تیموریان و ترکمانان، صفویه، افشاریه، زندیه، قاجاریه، و پهلوی» تقسیم شده است. تاحدودی می‌توان ادعا کرد که این فصل متناسب با اهداف کتاب نگارش یافته است. تنها در این فصل است که ویژگی‌های تاریخ‌نگاری هریک از دوره‌های مذکور تبیین شده است. این فصل نظم و انسجام مطلوبی دارد، اما ذکر برخی مباحث در این فصل با عناوین فصل ارتباط ندارد. از این مباحث می‌توان به این موارد اشاره کرد: «سبک‌های تاریخ‌نگاری، تاریخ‌نگاری روایی، تاریخ‌نگاری ترکیبی، تاریخ‌نگاری تحلیلی، روش سال‌شماری، روش موضوعی، تراجم و احوال، مقتل‌نگاری، سیره‌نگاری، نسب‌نگاری، فرق و مذاهب، منتقب‌نگاری، و خَط‌نگاری» (همان: ۶۲-۶۸) که بایستی در بخش پنجم «تاریخ‌نگاری اسلامی و مکاتب آن» ادغام شود. از دیگر موارد قابل‌بحث در این فصل، معرفی نکردن منابع دست‌اول و تحقیقات جدید هر دوره تاریخی برای مخاطب است که نویسندگان تنها به معرفی دو منبع دست‌اول در هر دوره بسنده کرده‌اند. برای نمونه منابع تاریخی صفاریان، آل‌زیار، آل‌بویه، سامانیان، سلجوقیان، و خوارزمشاهیان ذکر نشده است. از دیگر نکات قابل‌اصلاح کتاب این است که نویسندگان سال تأسیس سلسله صفویه را ۹۰۵ ق دانسته‌اند (همان: ۹۶)، در حالی که مورخان معاصر متخصص در عصر صفوی، سال تشکیل حکومت صفویان را ۹۰۷ ق می‌دانند. برای تقویت و بهبود مباحث تاریخ‌نگاری صفویه می‌توان از کتاب‌هایی چون *تاریخ‌نگاری عصر صفویه و شناخت منابع و مأخذ* (ثواقب ۱۳۸۰) و *اندیشه تاریخ‌نگاری عصر صفوی* (آرام ۱۳۸۶) استفاده کرد. در بخش «افشاریه و زندیه» به معرفی منابع تاریخی دوره افشاریه اشاره کرده‌اند، در حالی که منابع تاریخی دوره زندیه تبیین نشده است (میرجعفری و عاشوری‌نژاد ۱۳۸۶: ۱۱۲-۱۲۰). در مبحث مؤخره فصل دوم بخش چهارم «تاریخ‌نگاری دوره قاجاریه و پهلوی» تحت یک

عنوان طرح و بیان شده است. در این دو دوره تاریخی، تاریخ‌نگاری رشد کمی و کیفی زیادی داشته است که نویسندگان می‌توانستند این دو دوره تاریخی را در سه قسمت بیاورند: تاریخ‌نگاری قاجاریه، مشروطه، و پهلوی. دوره مشروطه، دوره نوین و مهمی در تاریخ‌نگاری ایران به‌شمار می‌رود که در این کتاب مباحثی با عنوان مشروطه و جریان تاریخ‌نگاری بیان نشده است و همچنین بیان ویژگی‌های تاریخ‌نگاری دوره پهلوی مثلاً «پروژه دین‌زدایی در جامعه» از مهم‌ترین مؤلفه‌های تاریخ‌نویسی در این دوره بوده است که در کتاب به آن توجه نشده است (همان: ۱۲۱). در ذکر تاریخ تأسیس حکومت پهلوی ضروری است که به‌صورت هجری شمسی آورده شود نه تاریخ قمری و میلادی (همان: ۱۲۰). مبحث دسته‌بندی منابع تاریخ معاصر ایران بدون ذکر ارجاع آورده شده است که بایستی مستندسازی شود (همان: ۱۲۲). نویسندگان می‌توانستند به جریان تاریخ‌نویسی دوران پساانقلاب پردازند که از لحاظ اندیشه‌های فکری متنوع قابل تبیین است.

۵.۸ بخش پنجم کتاب به «تاریخ‌نگاری اسلامی و مکاتب آن» اختصاص داده شده است. بیش‌تر مباحث این بخش به‌طور پراکنده از کتاب *تاریخ‌نگاری در اسلام* (سجادی و عالم‌زاده ۱۳۷۵) اخذ شده است. برخی مطالب ضروری به‌طور مختصر آمده یا از آن غفلت شده است. مباحث «روش‌های تاریخ‌نگاری اسلامی، مکاتب تاریخ‌نگاری» مختصر بیان شده است. برای تقویت و استحکام این بخش ذکر مباحث «حدیث‌گرایی و سنت‌گرایی، قالب‌ها و گونه‌های تاریخ‌نگاری اسلامی» (راینسون ۱۳۹۲)، ضروری به‌نظر می‌رسد. از دیگر نقاط ضعف محتوایی بخش پنجم می‌توان به کلی‌گویی مطالب، استفاده نکردن از منابع اصلی و پژوهش‌های جدید، ضعف جمله‌بندی، و پاراگراف‌ها اشاره کرد که به محتوا آسیب زده است.

۶.۸ بخش ششم کتاب «تاریخ‌نگاری اروپا» را بررسی کرده است. مطالب این بخش، از سه نویسنده گردآوری و برداشت شده است. باوجود این که عنوان بخش درباره تاریخ‌نگاری اروپاست، بیش‌تر به معرفی توصیفی مورخان اروپایی اکتفا شده است. در این بخش، مبحث تأثیر تاریخ‌نگاری اروپا، به‌ویژه یونان و روم، بر تاریخ‌نگاری اسلامی بایستی آورده شود و با ذکر آن می‌توان بنای این بخش را محکم‌تر ریخت. در ارجاعات و استنادات این بخش دقت کافی به‌کار نرفته است. برای نمونه ص ۱۶۰، پاراگراف اول، نقل قول مستقیم از کتاب *تاریخ در ترازو* (زرین‌کوب ۱۳۸۳) است که پاراگراف به‌صورت نقل قول غیرمستقیم آورده شده است.

۷۸ بخش هفتم و آخرین بخش کتاب با عنوان «تاریخ‌نگاری عصر حاضر: آنال‌ها» تنظیم شده است که در آن تنها مکتب آنال بررسی و تبیین یافته است. مطالب این بخش، از کتاب *بیش و روش در تاریخ‌نگاری معاصر* (اتحادیه (نظام مافی) ۱۳۶۵) تلخیص و برداشت شده است. بی‌توجهی به دیگر پژوهش‌های مربوط با تاریخ‌نگاری جدید، به‌ویژه مکتب آنال، به محتوای بخش صدمه زده است و مطالب انسجام خوبی ندارد. هم‌چنین، با یک عنوان کلی بدون عناوین فرعی تنظیم شده است که مخاطب در فهم آن دچار سردرگمی می‌شود. ذکر عناوین فرعی چون وجه تسمیه آنال، زمینه‌های شکل‌گیری مکتب آنال، جنبش تاریخ‌نگاری آنال و نقد رویکرد تاریخ‌نگاری سنتی، بنیان‌گذاران آنال، آثار و نوشته‌های مورخان آنالی (بنگرید به بهرامی ۱۳۸۶) موجب می‌شود تا فهم خواننده از مطالب تسهیل شود. بیان مبحث تاریخ‌نگاری مارکسیسم-لنینیسم در این بخش، که از مکاتب تاریخ‌نگاری اروپای معاصر و جریان تاریخ‌نویسی اروپا و جهان بود، مفید است (برای آگاهی بیش‌تر، بنگرید به ایگرس ۱۳۸۹).

۹. در این کتاب آنچه به‌فوق یافت می‌شود روایت‌هایی از مورخان است که آن‌ها را از آثار نویسندگان جدید نقل کرده‌اند. در این باره نویسندگان می‌توانستند با مراجعه به آن منابع روایت را دقیق‌تر برداشت کنند و به آن‌ها ارجاع دهند. نمونه‌های از این دست ارجاعات در صفحه پنج سطر ۱۷، ۱۸، و ۱۹ به مورخان چون ابن‌خلدون، مقریزی، و کافجی است که از روزنتال نقل کرده‌اند (میرجعفری و عاشوری‌نژاد ۱۳۸۶: ۵). در صفحه ۴۲ سطر ۱۶، از جرجی زیدان، نویسنده *تاریخ تمدن اسلامی*، نقل شده است، اما به بیات ارجاع داده‌اند یا در صفحه ۶۵ سطر ۱۲ از روزنتال نقل کرده‌اند، اما به آینه‌وند ارجاع داده‌اند یا در صفحه ۱۰۱ سطر ۹ از بارتولد نقل شده، اما به پطروشفسکی ارجاع داده شده است. نمونه‌های دیگر از این قبیل موارد را می‌توان در صفحه‌های ۱۱۱ سطر ۴ و ۱۴۲ سطر ۱۳ دید.

۱۰. گردآوری داده‌ها، استخراج، و استنباط از آن‌ها ناهماهنگ و ضعیف است.

۱۱. وجود مطالب کلیشه‌ای به محتوا آسیب زده است.

۱۲. درباره معرفی سلسله‌های تاریخی هیچ توضیحی داده نشده است.

۱۳. خلأ سرفصل‌هایی چون تاریخ‌نگاری محلی، سلسله‌ای، عمومی، فرهنگی، اقتصادی،

شفاهی، و....

۱۴. بهتر بود که به تاریخ‌نگاری در دیگر مناطق جهان چون روسیه، آسیا، آفریقا، و

آمریکا پرداخته می‌شد.

۱۵. ذکر نکردن منابع دست‌اول و پژوهش‌های جدید در باب سلسله‌ها.

۱۶. بخش‌های کتاب فاقد جمع‌بندی و نتیجه است.

- برای بهبود و کیفیت مطلوب کتاب راه‌کارها و پیشنهادهایی مطرح می‌شود که در چاپ مجدد می‌تواند لحاظ شود:

- استفاده از پژوهش‌های جدیدی که در حوزه تاریخ‌نگاری نوشته شده است تا جنبه تحلیلی کتاب قوت بیش‌تری بگیرد. کتاب‌هایی چون: در آمدی بر تاریخ‌نگاری ایرانی-اسلامی: با تأکید بر (یعقوبی، مقدسی، گردیزی، و ابن‌فندق) (رضوی ۱۳۹۴)، تاریخ‌نگاری فارسی (میثمی ۱۳۹۱)، تاریخ‌نگاری محلی ایران در دوره اسلامی (تا سده هفتم هجری) (قنوت ۱۳۹۳)، تاریخ‌نگاری در ایران عصر سلجوقی (صدقی ۱۳۹۳)، تاریخ‌نگاری در ایران: از آغاز دوره اسلامی تا حمله مغول (ترکمنی آذر ۱۳۹۲)، کتاب‌شناسی گزیده توصیفی تاریخ ایران دوره اسلامی (تا پایان دوره قاجاریه) (ترکمنی آذر ۱۳۷۸)، تاریخ‌نگاری عصر صفویه و شناخت منابع و مآخذ (ثواب ۱۳۸۰)، اندیشه تاریخ‌نگاری عصر صفوی (آرام ۱۳۸۶)، تداوم و تحول تاریخ‌نویسی در ایران عصر قاجار (قدیمی قیداری ۱۳۹۳)، تاریخ‌نویسی در ایران: نقد و بررسی منابع برگزیده (از ابوعلی بلعمی تا میرزا آقاخان کرمانی) (قدیمی قیداری ۱۳۹۶)، گفتمان تاریخ‌نگاری رسمی دوره پهلوی پیرامون رضاشاه (ملایی توانی ۱۳۹۵)، تاریخ شفاهی و جایگاه آن در تاریخ‌نگاری معاصر ایران (نورائی و ابوالحسنی ترقی ۱۳۹۴)، تاریخ‌نگاری اسلامی (رابینسون ۱۳۹۲)، مسلمانان و نگارش تاریخ؛ پژوهشی در تاریخ‌نگاری اسلامی (خضر ۱۳۸۹)، تاریخ‌نگاری در سده بیستم از عینیت علمی تا چالش پسامدرن (ایگرس ۱۳۸۹)، تاریخ تکه‌تکه: از آنال تا «تاریخ جدید» (فرانسوا دوس ۱۳۹۶)، انقلاب تاریخی فرانسه مکتب آنال ۱۹۱۹-۱۹۲۹م (برک ۱۳۸۹)، تاریخ‌نگاری و جامعه‌شناسی تاریخی (همیلتون و دیگران ۱۳۸۵)، مکتب فرانکفورت (باتومور ۱۳۷۳).

۵. نتیجه‌گیری

بر پایه آنچه بیان شد، هدف نویسندگان از تألیف کتاب درسی تاریخ‌نگاری و تحولات آن در ایران و جهان برطرف کردن نیاز دانشجویان رشته تاریخ در مقطع کارشناسی دانشگاه

پیام‌نور بوده است. بدون تردید محدوده زمانی مشخص برای تدوین کتاب‌های درسی توسط سازمان‌های متبوع به تعجیل و شتاب در تدوین آن منجر شده و آن سبب وجود ایراداتی در کتاب شده است. باین‌حال، کتاب درسی بایستی از استانداردهای علمی برخوردار باشد. برجسته‌ترین مبحث کتاب، فصل دوم از بخش چهارم درباره «تاریخ‌نگاری ایران بعد از اسلام» است که نویسندگان تاحدودی اهداف اصلی کتاب را در آن دنبال کرده‌اند، اما کاستی‌های شکلی و محتوایی زیادی در کتاب دیده می‌شود که با رفع آن‌ها کتاب درسی مطلوبی حاصل می‌شود. برای مثال، در این کتاب، که اثری گردآوری‌شده از منابع اولیه و تحقیقاتی است، از نویسندگان برجسته در حوزه‌های تخصصی خبری نیست. ایرادات شکلی و محتوایی کتاب به‌طور خلاصه عبارت‌اند از: نبود نقشه و تصاویر، فهرست تفصیلی، نمایه، اغلاط تایپی فراوان، ضعف جمله‌بندی و پاراگراف‌ها، وجود اصطلاحات مبهم و خاص، وجود ارجاعات نادرست، فقدان پیشینه پژوهش و تمایزات و تشابهات اثر مذکور با نوشته‌ها، بهره‌گیری نامناسب از منابع، کلی‌گویی مباحث، شیوه‌های نادرست مستندسازی درون‌متنی، نامتوازن بودن حجم بخش‌های کتاب (تیین آن در نمودار صفحه پانزده مقاله)، غفلت از برخی مباحث ضروری در کتاب مانند تاریخ‌نگاری محلی، سلسله‌ای، عمومی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، شفاهی، رسانه، گردش‌گری، و...، و نبود جمع‌بندی بخش‌ها. با رفع و اصلاح موارد مذکور در چاپ جدید، می‌توان کتاب درسی علمی و ساختارمندی را برای دانشجویان ارائه کرد.

کتاب‌نامه

- آرام، محمدباقر (۱۳۸۶)، *اندیشه تاریخ‌نگاری عصر صفوی*، تهران: امیرکبیر.
- آموزگار، ژاله (۱۳۷۴)، *تاریخ اساطیری ایران*، تهران: سمت.
- اتحادیه (نظام‌مافی)، منصوره (۱۳۶۵)، *بیش و روش در تاریخ‌نگاری معاصر*، تهران: تاریخ ایران.
- استنفورد، مایکل (۱۳۸۶)، *درآمدی بر تاریخ‌پژوهی*، ترجمه مسعود صادقی، تهران: دانشگاه امام صادق و سمت.
- ایگرس، گئورگ (۱۳۸۹)، *تاریخ‌نگاری در سده بیستم از عینیت علمی تا چالش پسا مدرن*، ترجمه عبدالحسین آذرننگ، تهران: سمت.
- باتومور، تام (۱۳۷۳)، *مکتب فرانکفورت*، ترجمه محمود کتابی، اصفهان: پرسش.

برک، پیتر (۱۳۸۹)، *انقلاب تاریخ‌نگاری فرانسه مکتب آنال ۱۹۱۹-۱۹۲۹* م، ترجمه کامران عاروان، تهران: تاریخ ایران.

بهرامی، روح‌الله (۱۳۸۶)، *مکتب آنال: جامعیت فکر تاریخ‌نگاری*، شیراز: نوید شیراز.
ترکمنی آذر، پروین (۱۳۸۸)، *کتاب‌شناسی توصیفی تاریخ ایران دوره اسلامی (تا پایان دوره قاجاریه)*، تهران: سمت.

ترکمنی آذر، پروین (۱۳۹۲)، *تاریخ‌نگاری در ایران (از آغاز دوره اسلامی تا حمله مغول)*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

تفضلی، احمد (۱۳۷۶)، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، به‌کوشش ژاله آموزگار، تهران: سخن.
ثواب، جهانبخش (۱۳۸۰)، *تاریخ‌نگاری عصر صفویه و شناخت منابع و مأخذ*، شیراز: نوید شیراز.
خضر، عبدالعظیم عبدالرحمن (۱۳۸۹)، *مسلمانان و نگارش تاریخ: پژوهشی در تاریخ‌نگاری اسلامی*، ترجمه صادق عبادی، تهران: سمت.

دوس، فرانسوا (۱۳۹۶)، *تاریخ تکه‌تکه: از آنال تا «تاریخ جدید»*، ترجمه عبدالله ناصری طاهری و سمیه‌سادات طباطبایی، ویراسته جواد مرشدلو، تهران: سمت، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی.

رایبسون، چیس اف (۱۳۹۲)، *تاریخ‌نگاری اسلامی*، ترجمه محسن الویری، تهران: سمت.
رضوی، ابوالفضل (۱۳۹۴)، *درآمدی بر تاریخ‌نگاری ایرانی-اسلامی: با تأکید بر (یعقوبی، مقدسی، گردیزی، و ابن‌فندق)*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۶۲)، *تاریخ در ترازو: درباره تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری*، تهران: امیرکبیر.
سجادی، صادق و هادی عالم‌زاده (۱۳۸۶)، *تاریخ‌نگاری در اسلام*، تهران: سمت.

صدقی، ناصر (۱۳۹۳)، *تاریخ‌نگاری در ایران عصر سلجوقی*، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
فصیحی، سیمین (۱۳۷۲)، *جریان‌های اصلی تاریخ‌نگاری در دوره پهلوی*، مشهد: نوند.

قدیمی قیداری، عباس (۱۳۹۳)، *تداوم و تحول تاریخ‌نویسی در ایران عصر قاجار*، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.

قدیمی قیداری، عباس (۱۳۹۶)، *تاریخ‌نویسی در ایران: نقد و بررسی منابع برگزیده (از ابوعلی بلعمی تا میرزا آقاخان کرمانی)*، ویراسته زهیر صیامیان گرجی، تهران: سمت، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی.

قنات، عبدالرحیم (۱۳۹۳)، *تاریخ‌نگاری محلی ایران در دوره اسلامی (تا سده هفتم هجری)*، تهران: سمت.

ملایی توانی، علیرضا (۱۳۹۵)، *گفتمان تاریخ‌نگاری رسمی دوره پهلوی پیرامون رضاشاه*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

نوشته‌ای در باب تاریخ‌نگاری: ... (نعمت‌الله زکی‌پور) ۱۸۹

- موسوی، حسن (۱۳۸۰)، شناخت و نقد منابع تاریخ ایران باستان، شیراز: دانشگاه شیراز.
- میثمی، جولی اسکات (۱۳۹۱)، تاریخ‌نگاری فارسی، ترجمه محمد دهقانی، تهران: ماهی.
- میراحمدی، مریم (۱۳۶۹)، کتاب‌شناسی تاریخ ایران در دوران باستان، تهران: امیرکبیر.
- میرجعفری، حسین (۱۳۷۵)، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان، اصفهان: دانشگاه اصفهان، چاپ دوم با همکاری سمت.
- میرجعفری، حسین و عباس عاشوری‌نژاد (۱۳۸۶)، تاریخ‌نگاری و تحولات آن در ایران و جهان، تهران: دانشگاه پیام‌نور.
- میرجعفری، حسین و مرتضی نورائی (۱۳۸۸)، روش پژوهش در تاریخ، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نورائی، مرتضی و مهدی ابوالحسنی ترقی (۱۳۹۴)، تاریخ شفاهی و جایگاه آن در تاریخ‌نگاری معاصر ایران (۱۳۵۸-۱۳۸۵ ش)، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- وثوقی، محمدباقر (۱۳۸۳)، بررسی منابع و مآخذ تاریخ ایران پیش از اسلام، تهران: دانشگاه پیام‌نور.
- همیلتون، گری جی و دیگران (۱۳۸۵)، تاریخ‌نگاری و جامعه‌شناسی تاریخی، ترجمه هاشم آقاجری، تهران: کویر.
- هینلز، جان راسل (۱۳۶۸)، شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: چشمه.

